



﴿ قیمت اشتراك سالانه ﴾

طهران دوازده ( ۱۲ ) قران  
سایر بلاد ایران هفده ( ۱۷ ) قران  
مالک خارجه دو ( ۲ ) تومان  
﴿ قیمت تک نمره ﴾  
طهران چهار ( ۴ ) شاهی  
سایر بلاد ایران ( ۵ ) شاهی

فاذا نفخ في الصور فلا انساب بينهم

هفتگی سیاسی تاریخی اخلاقی ، مقالات و لواحی  
که موافقت با مسلک ما داشته باشد با امضا پذیرفته  
میشود در طبع و عدم طبع اداره مختار است ،  
یا کتبه‌های بدون ( نمبر ) قبول نخواهد شد ،  
﴿ وجه آبونته از هر کس و از هر جامه‌متمنا گرفته میشود ﴾

﴿ عنوان مراسلات ﴾

میرزا جهانگیر خان شیرازی و  
میرزا قائم خان تبریزی  
﴿ طهران نزدیک امامزاده یحیی ﴾  
﴿ کوجه مسجد فاضل خلخالی ﴾  
دیپرو نگارنده میرزا علی اکبر خان قزوینی  
دوشنبه ساخن ذیحجه ۱۳۲۵ هجری

سطر ( ۱۸ )

غنی تر نبوده

سطر ( ۲۹ )

نقل و انتقال

سطر ( ۳۰ )

بانک و قدرت

صفحه دوم ستون ( ۱ )

غنی تر نبودند

صفحه دوم ستون ( ۲ )

نقل انتقال

صفحه دوم ستون ( ۲ )

بانک ، قدرت

﴿ بقیه شماره قبل ﴾

عالم اقتصادی مشهور انگلیس ( آدم اسمیت ) در یک قرن  
و نیم پیش از این چهار قاعده ازلیه برای اصلاح امور مالیة  
دولت و آسایش عموم رعیت اظهار کرد ، و امروز  
هان چهار قاعده از ( توکبو ) گرفته تا ( سان فرانسسکو ) و از  
دماغه ( چلبوسکین ) تا ( کاپ هرن ) در میان هر قوم  
متمدن و هر ملت وحشی معمول و مجری است .

و از این کلیت استثنائی که هست تنها همان او ضح  
سلطنت کعبان و تربیات دولتی اقدام ملل دنیاست .

﴿ اعتذار ﴾

هر چند بواسطه نبودن مصححین قابل در مطابع حالیه  
طهران غالباً اغلاط در عموم مطبوعات و نیز در نمره های  
سابقه همین روز نامه دیده میشود لیکن چون در شماره  
قبل صور اسرافیل باره غلط های فاحشه بود که بکلی  
هستی را تغییر داده و شاید بعضی از خوانندگان را  
دچار اشکال مینمود از اینرو پس از اینکه از مشترکین  
عظام عذر مافات میخواهیم اغلاط مزبوره را ذیلاً  
تصحیح میکنم ، تا آنها که بصفحات صور وقتی مهنگرا  
رند و در حفظ آن شی دارند نمره خودشان را تصحیح  
فرموده و نگارنده را قرین امتنان فرمایند .

صحیح

سطر ( ۸ )

تنها

سطر ( ۶ )

هم رای

غلط

صفحه اول ستون ( ۱ )

تنها

صفحه دوم ستون ( ۱ )

هم رای



عالم مزبور میگوید تبعه هر دولت به تناسب واردات خود در تادیه مالیات و بعبارة اخیری در مساعدت مصارف دولتی مساوی خواهند بود .  
مالیات باید معین و مصرح و زمان ادا نیز همه ساله در وقت معلوم باشد .

مالیات بایست در سهلتر و مساعدترین وقتی بحال رعیت گرفته شود ، باید فاصله میان خروج مالیات از کیسه رعیت و وصول آن بخزانه دولت در اقصر و اسرع ازمنه ممکنه باشد .

اگر آحاد رعایای یک مملکت در تادیه مالیات نسبت بواردات خود برابر نباشند معین است معنی مساوات که روح زندگی عصر حاضر و پایه محکم آسایش بشری است از میان خواهد رفت .

اگر مالیات را معین و زمان تادیه آن معلوم و مسامد بحال رعیت نکند رعیت دستخوش هوا و هوس حرص و طمع عمال و ضباط شده رفته رفته بی باکر دیده و مملکت رو بخرابی خواهد گذاشت ، و اگر فاصله مابین ادای مالیات و تادیه آن بدولت بسته بمیل حکام و عمال باشد اینمعنی نیز دولت را دوچار دست فشگی و بن نظمی و بی اعتباری خواهد کرد .

قواعد مزبوره امروز در تمام دنیا مسلم و پایه حکم معاملات مدنی هر دولت با رعیت خود میباشد .

اما در ایران حد مالیات را فقط حرص حاکم و طمع عامل اندازه پیش کسی اول سال و قوت یا ضعف مینهات گذار تعیین مینماید .

وزمان ادا نیز بسته بوجودده ، صد ، یا یکم نفر عامل و ضابطی است که تقدیمی حاکم را موافق دلخواه پرداخته بانقد و یا باصطلاح حضرت والا فرما نفر ما حکم از مقامات منبیه صادر شود . و مدت فاصل میان وصول مالیات و ایصال آن بخزانه نیز حدش همان اندازه لطف و همدردی وزیر مالیه وقت و مستوفی ولایت نسبت بحاکم محل میباشد .

در این دوره های اخیر فقط مالیات ایران یکدفعه در ظل ارشاد حاجی میرزا آقاسی اسماً تعدیل شده و آنهم بشهادت حس و گواهی معمرین قوم اهدای یک بره برای خان مدلل ما آن یک ده را قریب بمعاف

کرده و عین این کسر را برقریه خراب دیگر افزوده است . که اگر کسی یکسفر نفتیشی ده روزه افلا در همین صفحات خوار وورامین نماید بخوبی بر حقیقت این ادعا بر میخورد .

و بر فرض صحت این تعدیل امروز مقداری زیاد از قراء ایران نکلی خراب و از چیز اشغاف افتاده ، و بعضی بعکس آباد تر شده و یا یک باره جدید الاحداث است که ابداً نه آن نقصان و نه این زیادی هیچیک بخرج کتابخانه دولت نیاید .

وقت ادای مالیات نیز از زمان داریوش کبیر و دوره ( ساتراپها ) تا بحال کاهی در اول سال ، کاهی در وسط ، کاهی در آخر و بعضی اوقات ششماه از سال گذشته است و اما فاصله میان اخذ مال از رعیت و تسلیم آن بدولت

بعد از قلم داد لا وصولی و تخلفهای جعلی ، و خرج جلو گیری از یاغیهای مصنوعی ، ترمیم خرابیهای ساختمانی بعمارات شاه عباسی ، سپورسات فلان مأمور ، سپورغال فلان سفیر یا فلان سباح و هزاران خرج تراشی های دیگر در صورتیکه فاضل نداشته باشد باقی می آید و آنهم بعلت افلاس دروغی حکمران محول بسال نو یا موکول به داشتن حکومت جدیدی میشود .

کتابخانه های دراز نویسنان زمان ناصر الدین شاه تا بحال برای بیان این مطلب با همه بفرنجی باز تاحدی گواهی و شاهد حاضر است .

درینصورت آیا عادی دولت کدام است ؟ پایه اعتبار دولت بر روی چه محل معین و معلوم است ؟ و حال رعیت بد بخت یعنی کار فلاحت مملکت و اولین منبع ثروت ملک چه خواهد بود ؟ وزراء ما بهتر از همه کس میدانند که در تمام معاملات دولتی ما با خارجه تنها محلی که اعتبار مختصری بدولت ما میدهد همان محل گمرک است که تا حدی منظم و موافق با اصول اداری امروزه دنیا است . و بقیه عائدات ما در نظر اجانب در حکم صفر و برای تأمین صد هزار تومان معامله دولتی کفایت نمیکند .

ع ۱۰۱      بقیه دارد



## ✽ اولین مجازات دوره مشروطیت ✽

بعد از گرفتاری اشرار و محاربین همه روزه ناطقین عظام و عموم ملت در مجامع و انجمن ها مجازات و سیاست آن دسته را از مجلس مقدس و وزرا مطالبه مینمودند تا در چهار شنبه ۲۴ ذیحجه ۱۳۲۵ که روز مجمع عمومی انجمن محترم اتحادیه آذربایجان بود لایحه جانکاه رقت انگیز زوجه بیچاره انوشه روان ارباب فریدون یارسی مقتول بیگانه را که با انجمن نوشته بود خوانده شد و تمام اهل جامع را که قریب هزار نفر بودند بگریه در آورد ، و هبجان و قوه انتقام خونهای پیر و برنای آن هببت را بپوشانید و دو لایحه در قصاص قاتلین و کبفر اعمال مفسدین بوزارت عدلیه و حکومت طهران نوشته و بیست نفر از اعضای انجمن ها را برای رسانیدن آن دو ورقه و خواستن مکافات انتخاب کردند ، و از آن روز تا آخر ماه آن اشخاص لایلا و نهاراً بامتها درجه جاو جهددار کار بودند تا از حجج اسلام کثر الله امثالهم فتوای جزای بخنجر مقصر معلوم الحال را کتباً دریافت نمودند ، و در عصر دو ذنبه سلخ ذیحجه در وزارت عدلیه اشرار را حاضر کرده و در حضور آنها و ملت حکم جزای آنان را که بر طبق فتوی شرع مطاع از محکمه جزای عدلیه صادر شده بود خواندند ، و پس از سلب ابدی شغل دیوانی صنایع حضرت و مقتدر نظام و اسمعیل خان تکمه های نظامی لباسهای هر سه نفر را قطع کرده و همکان را با سپد کمال مشلق نموده و یکساعت قبل از غروب آفتاب همان روز ایشان را مغلولاً تحت الحفظ بجهت حبس ده ساله به قلعه کلات خراسان مأمورین نظامی حرکت دادند . بدیهی است تا قاتلین مرحوم ارباب فریدون وسایر اشرار را هم بقصاص و جزا نرسانند مردم آرام نمیگیرند و ازیني نخواهند نشست .

## ✽ صورت استفتاح ملت از حجج اسلام و فتوی آن ذوات مقدسه کثر الله امثالهم ✽

## ✽ که اصل آن در دفتر وزارت عدلیه ضبط است ✽

بعد از تحقیقات و تدقیقات و مذاکره و مشاوره و ملاحظاتی لازمه بارعایت مقتضیات صلاح وقت آنچه بنظر اولیای شرع مطاع لازم الاتباع در مجازات مفسدین یعنی اشخاص مفصله ذیل میرسد اینست .

( ۱ ) خسروخان مقتدر نظام ( ۲ ) سپه محمدخان صنایع حضرت ( ۳ ) اسمعیل خان سربهنک  
( ۴ ) سپه کمال ( ۵ ) حاج معصوم

که اولاً تعذیب بضر زاجر بوجهی که موجب عبرت هر مفسد و جلوگیری ازین قبیل مفسد و اعمال نا مشروع بوده باشد در حق آنها علناً معمول شود و بعد الزجر تحت الحفظ و مغلولاً بکلات برده شوند و مدت ده سال در آنجا محبوس باشند .

اینست آنچه با رعایت مقتضیات وقت در خصوص اشخاص مفصله فوق عجالاً بنظر این خدام شرع انور برای رفع و دفع فساد و مجازات اشرار فوق رسیده است و باید اجری شود ۲۸ ذیحجه الحرام ۱۳۲۵ .

الداعی عبداللهموسوی البهبهانی . بسم الله الرحمن الرحیم ، عجالتاً اشخاص مفصله معلوم شد از اشرارند و حکم آنها همان است که شرح داده شده ، بعد هم اگر شرارت کسی در مطالب معهوده معلوم شد حکمش را خواهیم کرد ، محمدبن صادق الطباطبائی . الداعی ابو القاسم الحنفی الحسینی . بسم الله تعالی . الاحقر الداعی عبدالنبی النوری ، و الحکم کا نظر و فصل . الاحقر محمد صادق .

## بسم الله الرحمن الرحيم

علمای اعلام و حجج اسلام کثر الله امثالهم چه مفرمایند در خصوص صنایع حضرت و مقتدر نظام و اسمعیل خان و سپه کمال و امثال ایشان از کسانیکه در جلو خان مجلس مقدس ملی و میدان توپخانه اسلحه کثیره و ششول خالی کرده اند ، و باعث سبک دماغ و نهب اموال مسلمین شدند ؛ و هزار قسم فتنه و فساد و شرارت کردند بسمیکه تمامی اهل مملکت و حجج اسلام مد ظلالهم العالی برای العین دیده و دانستند ؟ ! آیا حکم ایشان قتل است یا خیر ؟ در هر صورت عموم ملت استدعا دارند که حکم الله را در صدر عریضه مرقوم و مزین فرمایند که بلاد مسلمین پیش ازین در



مخاطره و تزلزل نباشد ! و امنیت عمومی حاصل شود ، آیا تأخیر دو اجرای حدود جایز است یا خیر ؟ ! !  
 مسئله دیگر آنکه هرگاه جمعی بدون اذن صاحب خانه بقصد قتل و سلب اموال وارد خانه کسی شوند صاحب خانه را بکشند آیا مفسد  
 هستند یا خیر ؟ ! در صورت منسد بودن حکم آنها قتل است یا خیر ؟ ایام عزت مسدودام فی ۲۵ شهر ذیحجه ۱۳۲۵  
 ✽ ✽ ✽ صورت حکم وزارت عدلیه اعظم دولت علیه ایران که اصل آن در دفتر انجمن محترم اتحادیه آذربایجان ضبط است ✽ ✽ ✽

الحکم لله



بنام اعلیٰ حضرت اقدس شاهنشاه کل  
 ممالک محروسه ایران خلد الله ملکه و سلطانه

وزارت عدلیه اعظم

\* \*

تاریخ دو شنبه ۲۹ ذیحجه سنه ۱۳۲۵

نمره ۲۸

چون در تاریخ ۹ شهر ذیحجه ۱۳۲۵ جماعتی مفسد و اشرار و عوام کالانعام در مقام شورش و طغیان و مخالفت اساس  
 مقدس مشروطیت برآمده بترك رعایت حرمت اشهر حرم گنجه ، و برخلاف مبل اولیا دولت و رؤسای ملت به مجلس  
 مقدس شورای ملی شهادت ارکانه حمله برده استعمال اسلحه و شلیک نمودند و از آنجا به میدان توپخانه رفته جماعتی از  
 معتمین شورش طلب به معاونت احتشاد و اجتناد و عنوان انتداب جهاد دعوت نموده ، در مقام عربده و حرکات وحشیانه  
 برآمدند ، و ( علی آقای صراف ) و ( اسمعیل خیاط ) را بیموجبی مجروح سخت و ( عنایت الله ) مظلوم را در  
 اسو احوال مقتول و آویزه درخت نمودند ! ! و چه در ( بهارستان ) و چه در ( میدان ) و چه در مجامع و محافل  
 نوطه و تمهید و مجالس مواضع اشخاص مفصله ذیل منشأ مخاطرات و مطرح مذاکرات و برهم زن انتظام و انگشت نمای  
 خسروخان مقتدر نظام ، اسمعیل خان ، سید محمدخان صنیع حضرت ، سیدکمال .

خاص وعام ، و باعث وحشت و اضطراب ملت ، و اسباب انقلاب مملکت ، و بفسادی و مخالفت مشروطیت معرفی و  
 شکایت عموم مردم را موجب شد ، و از جنب . . . اعلیٰ حضرت اقدس هیون شاهنشاه مشروطه خواه . . .  
 بحکم عدل و نصف بموجب دستخط . . . ملوکانه مقرر شد که در محکمه جزا به محاکمه و استنطاق اشخاص مزبور به نام  
 و پس از ثبوت تقصیر بقانون شرع انور به مجازات آنها اقدام شود و در استنطاق انهم از اقرارات آنها در حق خود  
 یا اظهارات و اخبارات در حق یکدیگر بر محکمه جزا ثابت و محقق گردید که مشار الیه امر و ناهی اراذل و اوباش  
 ، و پیشرو و قائد اجامر و الواط ، و مباشر امور ، و مهیج و محرك تورش طلبان و مفسدین ، و مصدر  
 امور وحشیانه بوده ، خلاف نظم و امنیت و مخالفت قوانین مقدسه مشروطیت را مرتکب ، و احداث فتنه عظیمه را  
 مدیر بوده اند ، و جنابان مستطابان افاضت نصابان حجج الاسلام و المسلمین مقتدو الانام ذخائر الایام کهوف الارامل  
 و الایام آقای آقا سید عبدالله مجتهد و آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد و آقای امام جمعه و آقایان دیگر متع الله المسلمین  
 بطول بقائهم در باب مجازات آنها مرقوم فرموده اند ، که اولاً بضرب و تعذیب زاجر موجبی که موجب عبرت هر مفسد  
 و جلوگیری ازین قبیل متاسد و اعمال نامشروع بوده باشد در حق آنها علناً معمول شود ، و بعد الزجر تحت الحفظ و  
 مغلولاً به ( کلات ) برده شوند و مدت ده سال در آنجا محبوس باشند ، لهذا محکمه جزا نیز تصدیقاً و امتثالاً مقرر  
 میدارد بنحویکه از محضر منور علماً اعلام و مجمع مقدس حضرات حجج الاسلام دامت برکاتهم حکم مجازات در حق آنها



صادر شده است عاجلاً بموقع انفاذ و اجرا گذارده شود ، و علاوه بر آن هریک ازین اشخاص که بشؤونات و امتیازات نظامی و غیر نظامی نایل هستند از شؤونات و امتیازات اشکاک ابدی خواهند داشت ، فاعتبر وایا اولی الابصار .  
محل مهر محکمه جزا ، صدق الملک ( رئیس محکمه جزا )

شهبخ علی قاضی اردغانی ، احمد بن محمد مهدی ، معاون حضرت ، محسن مجد الممالک .

ایضاً

حکم مطاع آقایان حجج اسلام دامت افاضانهم در حق بجزیر مستوجبین مجازات صادر شده بود یکسفر از آنها فراری است و هر وقت گرفتار بشود مجازات خواهد شد فی تاریخ الاول . صدق الملک ، شهبخ علی قاضی اردغانی .  
در ظهر ورقه محل مهر وزارت عدلیه اعظم ، خروج حکم از وزارت عدلیه دوم محرم ۱۳۲۶ ۱۸۹۷

✽ ایران غیر منصرف است ✽

روزگاری پیش از این خوش روزگاری داشتیم . در سوابق ایام نکارنده را ذوقی مفرط بخصایل علوم عربیات و فنون ادبیات بود ، وای نحو کان لپلا و نهراً عصر عزیز صرف بیان معانی کلمه و کلام مینمودم . هنوز از لوح خاطر من محو نشده که میخواندیم اسباب و علل منتهی صرف در عرف نجاته ۹ چیز است ، اگر چه باصلاح اصل در اسماً دخول اعراب است ، اما وقتی دو علت یا یک علت قوی از این علل ۹ گانه در اسمی موجود شود خواه و ناخواه آن اسم غیر منصرف و دخول جرو منوین در آن ممنوع است .

امروزه مقایسه میکنیم بقدر بفهم مثل من مبتدی بطی الانفعالی نزدیک است که این مبحث را شبیه کنیم بحال امروزی مملکت ایران و بگوئیم ایران غیر منصرف است ! بچاره ایران ویران !! ! بچاره ایران خراب !! ! زیرا علی امروز در ایران تولید شده که قهراً با آنکه کریمه ( و شاور هم فی الاسر ) و ( امر هم شوری ینهم ) دال است بر اینکه مشروطیت سلطنت توأم است با احکام شریعت غمراهی اسلامی ، و همزمان است با ترفیه احوال مسلمین . وهم عنان است با ارتقا ملک و مملکت و مرمت احوال افراد این ملت

کم کم آن علل موجوده جداً امتناع دارد دخول اعراب ترقی و تمدن !! ! حریت و آزادی !! ! عدالت و مواسات !! ! فلاح و نجات را بر رعایای فلک زده خانمان سوخته آن !! ! یعنی نجیب ترین ملل عالم . یعنی قدیم ترین سکان کره ارض .  
حالا آیا این علل موجوده چرخ سباز تمدن را از سرعت

سیر باز مبدارد ؟ و به نیل این آرزو موفق مینماید ؟ آنان که سیر اجمالی در تواریخ سایر ملل متمدنه نموده و بر موز سیاست آشنا میشانند بخوبی واقفند . این علل ناشی است از جهل ، فساد اخلاق و عدم قوه ممیزه که خیره بوالهوس نخمیر آنان را بحکم ( العاده كال الطبيعة الثنویه ) بیان سو مسلك سنخبت داده ، و به تبه جهل راه نمائی میکنند زیرا هنوز قوه مدركه شان فهم هر را از بر نمی کنند !! ! هنوز رفتار مصروعانه و حرکات بجنونانه را مسلك و آت اجرای نیات شخصیه دانسته اند !! ! هنوز زندگی بشرف را بر این حالت احتضار ترجیح میدهند !! !

✽ خوی بد در طبیعتی که نشست ✽

✽ زود تا بوقت مرگ از دست ✽  
میخواهم علل ۹ گانه و اسباب دخول جرو و منوین حریت و عدالت را در وطن عزیز برای شما توضیح کنم . قلم امتناع دارد زیرا سنگ این فرقه کاوان عصاره نه آتقدر است که خامه را تحمل تحریر آن باشد ، لکن چون معلول را بیان نموده اگر از توضیح علل انماض نماید دلیل کمال عجز از تطبیق و تشبیه است لهذا بر حسب ایفای وظیفه بنحو اختصار بیان نمود .

یکی از علل ۹ گانه عدل است - و آن ( نوری ) است که از مقام ناریت عدول نموده از کثرت استعمال الف آن قذب بواو شده ( و بمفاد کل شبثی بر جمع الی اصله ) جنس خود را همچو کاه و کهر با ست ✽ و من لم یحمل الله له نوراً فانه من نور ✽

دوم علمیت است - میتوانیم بگوئیم وجود سبب علی نزدی شده است برای تخریب اساس زندگانی و سد



ابواب سعادت ایرانیان ! که بمنظوقه (علما السوء) مصائد الشیطان ( دام مذویر گسترده و مکابد سیئه خویش را درد دین جلوه مبدهد ! !

بقیه دارد

تلاکرام قزوین بطهران ( ۹۶ )

۲۸ ذیحجه ۱۳۲۵

حضور محترم اعضای انجمن های طهران و مدیران جرائد عرض بشدکی مبنمائیم ، چون وظیفه مجاهدین در تمام بلاد برای اجرای احکام شورای ملی و رفع ظلم از مظلومین است لهذا عرض میکنیم ، در تعدیات فوق العاده حکومت و اجزای او بر ملت ییچاره قزوین زبان و بیان را یارای تقریر و تحریر نیست ! ده یانزده روز است که به مجلس مقدس و وزیر داخله عموم ملت و خصوص مجاهدین عرض کرده ایم که عمده الملك جمعیت کتیری، بقریه ( اسفرورین ) فرستاده و آنجا راجاییده و خانها خراب کرده ! درهای خانه ها و ( تابه ) یونجه آن ییچارها راسوزانیده ! مأمورین بی عصمتی ها کرده ! صدوییچاه نفر مأمور که بیک دیه بروند معلوم است چها خواهند کرد !

دیهاات بیوکخان مظفر السلطنه را چاپیده ! رعایارا متواری نموده ! حقوق فقرا را کسر میکنند ، باهالی ( فارسجین ) نمیدانید چها کرده ! جناب حسام الاسلام و کپل رشت که به قزوین تشریف آوردند تمام اینکارها را در خدمتشان حکومت اقرار کرد که این وقایع واقع شده ! در پشت دروازه طهران یایست فرسخ فاصله بمجلس مقدس حاکم این قسم سلوک نماید ولایات دور با سو حال چه خواهد شد !

عموم مجاهدین از دست و زبان ملتزمیم که اگر این قضایا واقع نشده ما را مجازات نماید ، اگر خودمان داد خودمان را بنزیم قبول نفرمائید ، آخر این رعایای ییچاره برادران ما و زنهای آنها خواهران ما هستند ! ! جواب عرایص ما داده نشده ! وزیر داخله به حکومت تلاکرام کرده مأمور مفرستم ! شما را بخدا آیا جناب حسام الاسلام و کپل سی کرور نفوس بقدر مأمور وزیر داخله هم نیست ؟ ! مارا دیگر عرضی نیست .

( انجمن قزوین )

تلاکرام کرمان نمره ۲۱۷۶ ذیحجه ۱۳۲۵

بنوسط انجمن محترم کرمان مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه ، اولیاء دماء شهدا کرمان از عزیمت توأب . . . نصره الدوله به تبریز و بودن عدل السلطنه بدون مسئولیت و مواخذة در ( جوپبار ) عموم اهالی بهیجان و انجمن ایالتی کرمان را بستوه آورده اند و اگر حکم محکم در خون خواهی شهدا و مجروحین کرمان از قاتلین و مجازات مرتکبین شرف صدور نیابد فتنه بزرگ در کرمان احداث میشود که تاچندی قوه جلو گیری ندارند .

انجمن ایالتی

# چرندک پرنده

مکتوب

آخر يك شب تنگ آمدم ، گفتم نه نه ! گفت هان ، گفتم آخر مردم دیگر هم زن و شوهرند چرا هیچکدام مثل تو و بابم شب و روز مثل سگ و گربه بچان هم نمی افتند ؟ گفت مرده شور کجا و معرفت را برد با این حرف زدنت که بهیچ به بدر ذلیل شده ت نکفتی از اینجا باشو آنها به شین ، گفتم خوب حالا جواب حرف مرا بده ، گفت هیچی ، ستاره مان از اول مطابق نیامد ، گفتم چرا ستاره تان مطابق نیامد ؟ گفت محض اینکه بابات مرا بزور برد ، گفتم نه نه بزور هم زن و شوهری می شد ؟ گفت آره ، وقتی که پدرم مرد من نامزد پسر عموم بودم پدرم دارا ایش بد نبود ، الا من هم وارث نداشت ، شريك الملکش مدخواست مرا بی حق کند ، من فرستادم بی همین نامرد از زن کمر که آخوند محل و وکپل مرافعه بود که بیاد بشريك الملک بابم برد مرافعه ، نمیدانم ذلیل شده چطور از من وکالت نامه گرفت که بعد از يك هفته چسبید که من تو را برای خودم عقد کرده ام ، هر چه من خودم را زدم ، گریه کردم ، به آسمان رقم ، زمین آمدم ، گفت الا اوللاکه نوزن منی ، چی به گم مادر ، بعد از یکسال عرض و عرض کشی مرا باین آتش انداخت ، که



الهی از آتش جهنم خلاصی نداشته باشد ! الهی پیش پنجمبر روش سپاه بشد ، الهی همیشه نان سواره باشد و او پیاده ! الهی روز خوش در عرش نه بیند ! الهی که آنچشمهای مثل ارزق شامیش را میرغضب در آرد ! اینها را گفت و شروع کرد زار زار گریه کردن ، من راستی راستی از آن شب دلم بحال نه نم سوخت ، برای اینکه دختر عموی من هم نامزد من بود ، برای اینکه من هم مپه مپدم که عقد دختر عمو و پسر عمو را در آسمان بسته اند ، برای اینکه من هم ملتفت بودم که جدا کردن نامزد از نامزد چه ظلم عظیمی است ، من راستی راستی از آن شب دلم بحال نه نم سوخت ، از آن شب دیگر دلم با بابام صاف نشد ، از آن شب دیگر هر وقت چشمم بچشم بابام افتاد ترسیدم برای اینکه دیدم راستی راستی بقول نه نم گفتنی چشمش مثل ارزق شامی است ، نه متها آنوقت از چشمهای بابام ترسیدم ، بعدها هم از چشمهای هر چه و کپل بود ترسیدم ، بعدها از اسم هر چه و کپل هم بود ترسیدم ، به ترسیدم اما حالا مقصودم این جا نبود ، آنها که مردند و رفتند بدنیای حق ، ما ماندم در این دنیای ناحق ، خدا از سر قصیر همه شان بگذرد ، مقصودم اینجا بود که اگر هیچکس نداند تو يك نفر مبدانی که من از قدیم از همه مشروطه تر بودم ، من از روز اول بسفارت رفتم ، بشاه عبدالعظیم رفتم ، پای پیاده همراه آقایان بقم رفتم ، برای اینکه من از روز اول فهمیده بودم که مشروطه یعنی عدالت ، مشروطه یعنی رفع ظلم ، مشروطه یعنی آسایش دعوت مشروطه یعنی آبادی مملکت ، من اینها را فهمیده بودم ، یعنی آقایان و فرنگی مابها این مطالب را بمن حالی کرده بودند ، اما از همان روزیکه دستخط از شاه مرحوم گرفتند و دیدم که مردم مپگویند که حالا دیگر باید و کپل تمین کرد ، يك دفعه انگار مپکنی يك کاسه آب داغ ریختند بسر من ، یکدفعه سی و سه بندم بتکان افتاد ، یکدفعه چشمم سپاهی رفت ، يك دفعه سرم چرخ زد ، گفتم با با نکنید ، جانم نکنید بدست خودتان برای خودتان مدعی تراشید ، گفتمند به ! از جانم گرفته تا به تل پرت همه مملکتها

و کپل دارند ، گفتم با با والله من مرده شماها زنده ، شما از و کپل خیر نخواهید دید ، مگر همان مشروطه خالی چطور است ؟ گفتند برو پی کارت ، سواد نداری حرف نزن ، مشروطه هم ، و کپل می شد ؟ دیدم راست مپگویند ؟ گفتم با با پس حالا که تعیین می کنید محض رضای خدا چشماترا وا کنید که بحاله نیفتید ، و کپل خوب انتخاب کنید ، گفتند خیلی خوب ، چشماترا هم وا کردند ، درست هم دقت کردند ، اما در چه ؟ - در عظم بطن ، کلفتی کردن ، بزرگی عمامه ، بلندی ریش ، زیادی اسب و کالسکه ، بیچاره ها خیال مپکردند که گویا این وکلا را مپخواهند بی مهر و وعده به پلو خوری بفرستند که با این صفات قابوچی از هیکل آنها حیا کنند و مهر ورقه دعوت مطالبه نکنند . باری حالا بعد از دو سال تازه سر حرف من افتاده اند ، حالا تازه می فهمند که هفتاد و چهار رای مجلس علنی يك گرگ چهل ساله را از برلن دوباره کشیده و بجان ملت می اندازد ، حالا تازه می فهمند که شصت رای چندین مجلس انجمن مخفی پدر و پشقیبان ملت را از پارلمان متفر مینماید ، حالا تازه مپفهمند که مهر مجلس زینت زنجیر ساعت میشود ، حالا تازه مپفهمند که روی صندلیهای هیئت رئیسه را پنهانی شکم مفاخر الدوله ، رحیم خان چلیپانلو و مؤید العلماء والاسلام والدین پر می کنند چهارتا و کپل حسابی هم که دارم بیچاره ها از ناچاری چارچنگول روی قالی (رما یسم) می گیرند ، حالا تازه مپفهمند که و کپل باشی ها هم مثل دخو خلوت رفته در عدم تشکیل قشون ملی قول صریح مپدهند . حالا تازه می فهمند که شان مقنن از آن بالا تراست که بقانون عمل کنند و از انجمن نظامنامه داخلی مجلس از درجه اعتبار ساقط خواهد بود ، حالا تازه مپفهمند که وکلا از سه بغروب مانده مثل بچه مکتبهای مدرسه همت می باید مگس بگیرند و مثل بدست و بچهار نر اعضا انجمن سنگ می چرت و پنبکی بزیند تا جیخد يك ربع بغروب مانده تلفون صدا کند که آقای و کپل باشی امروز مهمان



دارند و می فرمایند ( فرود از و در حضره شویید که  
ایران از دست رفت . « اینها را مردم حالا تازه  
می فهمند . اما من از قدیم میفهمیدم . برای اینکه من گریه  
های مادرم را دیده بودم . برای اینکه من میدانستم اسم  
و کپل حالا حالا ها خاصیت خودش را در ایران خواهد بخشید  
. برای اینکه من چشمهای مثل ارزق شامی بلام هنوز یادم بود .  
اینها را من میفهمیدم و همه مردم هم حالا اینها را  
میفهمند . اما باز من الان پاره چیزها میفهمم که تنها  
اعضای آن انجمن شصت نفری میفهمند .

جواب از اداره

اولاً من ابدأ با عقاید شما یک قدم هم همراه نیستم ،  
ثانیاً امروز سوء ادب نسبت بوقلا مجلس خرق اجماع  
امت است . برای اینکه هر چند موافق شریعت ما و  
مطابق قوانین هیچ جای دنیا هم نباشد ، اما امروز  
بقا الهای ایران هم میدانند که و کپل مقدس است ؛ یعنی  
وقتی آدمیزاد و کپل شد مثل دوازده امام و چهارده معصوم  
باک و بی گناه است .

ثالثاً بطور میشود آدمیزاد مسلمان باشد ، سپید  
باشد ، آخوند باشد حاجی باشد ، صاحب ریش و  
کوبال باشد ، از همه بدتر بقرآن هم قسم خورده  
باشد ، آنوقت مثلاً بقول بایا گفتنی محض حسادت یا  
حرص یا نعوذ بالله محض قولی که بوکپل باشی در انجمن  
شصت نفری داده باشد یا شر را بوی یک کفش بکنند که این  
دو نفر علمدار آزادی و پنج شش نفر و کپل بی غرض را  
از مجلس بتاراند ، نه . من ابدأ با خیالات شما همراه نیستم  
، و هیچ بقال ایرانی هم با خیالات شما همراه نیستم .  
چرا ؟ برای اینکه من نمیتوانم دین صدو بیست نفر  
و کپل معصوم را کردن بگیرم ؛ برای اینکه من نمیتوانم  
گناه صدو بیست نفر بنده های مؤمن ، مقدس ،  
امین ، و بی گناه خدا را بشورم ، همان گناه های  
خودم را مرد باشم جواب بدهم به فتاوی بستم هم بس است .  
بله ، عقیده من این جور چیزهاست ، و  
عقیده تمام شیعیان باک هم از همین جور چیزهاست .  
اما من متحیرم در صورتیکه محمد ابن یعقوب کلینی  
در اصول کافی ، و محمد ابن علی ابن موسی ابن بابویه  
قمی در کمال الدین و تمام النعمه ، و سپید مرتضی

در شافی ، و محمد ابن الحسن الطوسی در کتاب النبییه  
، و فضل ابن حسن طبرسی در اعلام الوری ، و  
علی ابن عیسی ربلی در کشف الغمه ، و مولا محمد  
باقر مجلسی در سیزده هم بخار ، و حاجی میرزا حسین  
نوری در فہم ناقب ، و سایر علما در سایر کتب  
صریحاً مینویسند که « وقتی خداوند عالم سبصد و سیزده  
نفر بنده مؤمن مقدس و شیعہ خالص امین در دنیا داشت  
حضرت حجة ظهور خواهد کرد » پس چرا ما شیعیان  
خالص ، ما منتظرین ظهور فرج ، و ما گویند گان  
( و عجل فرجنا و فرجهم ) زودتر سعی نمیکنیم که بکصدونود  
وسه نفر هم دعا نویس ، عشر خوان ، رمال ، و جزوه کش  
بر این بکصدو بیست نفر و کپل حالیه که داریم بیفزا ایم  
که بمحض ورود بمجلس همه معصوم و امین و بی گناه  
بشوند و عدد اصحاب بدر که سبصد و سیزده نفر است  
کامل بشود که بلکه ما هم درک زمان سلطنت حق را بکنیم  
، بلکه ما هم چشممان بجمال انور امام زمان روشن  
بشود ، بلکه ما هم چهار روز معنی عدالت  
را گذشته از مطالعه در کتاب در خارج هم  
به پیغم ؟ ! ! !

اما حالا که تازه کی ها میشنوم یک فصل هم بقانون  
اساسی زیاد میشود که وکالت از روی قانون قرآن دو سهم  
به پسر می رسد و یک سهم هم بنایقاعده (الضرورات بیبیح  
المحذورات) خرج مہابی موکلین بشود ، خدا کند  
که بشود . ما چه حرفی داریم ، اما اضافه کردن آن بکصد  
ونودوسه نفر هم از همان جنس که گفتم لازم است .  
﴿ دخو ﴾

﴿ اعلان ﴾

اشخا صبحکه مایل باشترک سال سوم جریده ملا نصرالدین  
باشند رجوع به کتابخانه تربیت نمایند . تقویم دیوار  
کوب سال مصور بصور جناب تقی زاده و پرنس ملکم خان  
و عباس آقای شهید و غیرهم نیز در آنجا بفروش میرسد .

﴿ اعلان ﴾

مراسلاتیکه بانجمن اتحادیه طلاب نوشته میشود باید باسم جناب  
مستطاب شریعت دار آقای حاج شیخ محمد حسین خراسانی مدیر  
انجمن و ساکن مدرسه دارالشفای باشد ﴿ اتحادیه طلاب ﴾

﴿ طهران ، در مطبعہ یازسپان بطبع رسید ﴾